

معرفی و نقد کتاب:

کرونا و جامعه ایران، سویه های فرهنگی و اجتماعی

حدیث مینایی*

کدارکد: 0000-0001-9185-8819

مقدمه

کرونا ویروس علاوه بر سلامتی افراد، زندگی اجتماعی آنها را نیز دچار اختلال کرده است. همه خوب می‌دانیم که انسان موجودی اجتماعی است که برای بقا، نیازمند با هم بودن و در کنار هم زیستن به صورت مسالمت آمیز است. برای دستیابی به این مهم نیازمند برقراری نظم در جامعه است. برای رفع این نیاز انسان‌ها قسمت مهمی از آزادی خود را هزینه کرده‌اند تا مسئولیت نظم جامعه را به دولت و قانون بسپارند تا بتوانند در اجتماع با آسایش و امنیت زندگی کنند. اما کرونا بخش مهمی از معادلات انسانی و مناسبات اجتماعی را به حالت تعلیق درآورد و نظم گذشته را مختل کرده است. در این ارتباط اصحاب قلم دست به کار شدند و هر کدام از زاویه‌های علایق خود به دنیا و جامعه کرونایی پرداختند. کتاب کرونا و جامعه ایران از جمله مصادیق این تلاش‌ها است.

"کرونا و جامعه ایران، سویه‌های فرهنگی و اجتماعی" عنوان کتابی است که شامل ۳۶ مقاله است. این کتاب به اهتمام محمد سلگی، داریوش مطلبی و اسماعیل غلام‌پور و با حمایت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در تابستان سال ۱۳۹۹ در شش بخش به چاپ رسیده است.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی

hadisminai69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۴

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۴۱-۲۴۹

بخش اول به کرونا و امر اجتماعی اختصاص دارد و شامل مقاله‌هایی با نام کرونا؛ فرصتی برای برساخت مسئله اجتماعی (سعید معیدفر)، مردم‌نگاری کرونای ایرانی (نعمت‌الله فاضلی)، بیش‌پزشکی شدن جامعه در دورهٔ پسا کرونا (ابراهیم حاجیانی)، دور از هم و در کنار هم؛ تصویری از شبکه‌ای شدن ارتباطات کرونایی (هادی خانیکی)، نگاهی جامعه‌شناختی به کرونایی شدن جامعه (عباس کاظمی)، منطق یونیورسال فاجعه؛ چرا باید کرونا را قدر بدانیم؟ (محمدرضا کلاهی)، جنبش‌های اجتماعی در عصر پسا کرونا (سعیده امینی) می‌باشد.

در مجموع موضوع اصلی کتاب، توصیف تغییرات حاصل از اپیدمی کرونا و چگونگی مدیریت بر آن در جامعهٔ ایران است. برخی نویسندگان به شکل‌گیری توافق بر سر مسئله‌مندی این پدیده (کرونا) برای نخستین بار در بین تمام اعضای جامعه و برخورد متناسب و عقلانی با آن امیدوار هستند. در کنار این نگرش، برخی نویسندگان در بحث چگونگی مدیریت بحران و مدیریت بیماری نسبت به بیش‌پزشکی شدن جامعهٔ ایرانی و کنترل بیش از پیش جامعه توسط پزشکان هشدار داده‌اند. در واقع نگرانی اصلی متخصصان علوم اجتماعی، تثبیت و نهادینه شدن گفتمان پزشکی در جامعه و در نهایت پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف زندگی است. مسئله دیگری که در این کتاب به آن توجه شده است؛ محدودیت ارتباطات مستقیم و منزوی شدن افراد است. درحالیکه معمولاً هنگام وقوع زلزله، سیل و ... مهم‌ترین حامیان افراد بحران زده، اقشار مختلف مردم هستند در رویارویی با بحران کرونا ما با فقدان چنین حمایتی مواجه هستیم. همچنین بر این ایده، تأکید شده که هیچ وضعیتی نتیجهٔ صرف انتخاب‌های فردی یا گروهی ما نیست.

مسئلهٔ پناه‌بردن به ارتباطات مجازی در دو سطح بررسی شده است. اول اینکه شتاب و حجم ارتباط از طریق فضای وب به مراتب افزایش یافته است و این نیز خود ناشی از تعلیق روابط اجتماعی در فضای واقعی است. دوم اینکه بسیاری سازمان‌ها و نهادهای جامعه، فعالیت‌های خود را از طریق ارتباطات مجازی به انجام می‌رسانند. این وضعیت هم یک فرصت برای استفادهٔ عقلانی و درست از فضای مجازی است و هم یک تهدید است. زیرا تصاویر دیجیتالی و رفتارهای مجازی را جایگزین آیین‌ها، شیوه‌ها و مناسک جمعی کرده است.

بخش دوم کتاب با عنوان فرهنگ، هنر و رسانه در دورهٔ کرونا، شامل موضوعاتی مانند تأثیر ویروس کرونا بر حیات فرهنگی؛ با تأکید بر صنعت نشر (داریوش مطلبی)، بی‌تابی نظام فرهنگ در برابر کرونا (خسرو طالب‌زاده)، بحران کرونا و ایفای مسئولیت اجتماعی هنرمندان (سیده راضیه یاسینی)، تأثیر کرونا بر صنعت نشر کتاب (هامون شریفی میلانی)، تولید و عرضهٔ آثار هنری در دورهٔ کرونا (فرزانه فرشید نیک)، خیال موسیقی و بحران کرونا (نرگس آذری- نیما فردوسی)، کرونا، پادشاه خبرها، سایه مرگ (سجاد مرادی- مسعود اسدی نژاد جمال)، کرونا،

فاصله‌گذاری اجتماعی و فرهنگ ویدئویی پلتفرمی (حسین حسینی)، عزاداری مجازی در دوران همه‌گیری کرونا (رضا تسلیمی طهرانی) است.

در این بخش، با تأکید بر ضرورت سه اصل عقلانیت، روابط متقابل و مشروعیت به این امر اشاره شده که در ایران عقلانیت دولت فرهنگی بر عقلانیت جامعه فرهنگی رجحان دارد و این نوع عقلانیت، ناپایدار و کوتاه‌مدت نگر است. همچنین تأثیر شرایط کرونایی بر صنعت نشر و بازار کتاب و موسیقی و تعطیلی مکان‌های فرهنگی تحلیل شده است. برخی مقالات به تجربه اجبار در خانه ماندن و شکل‌گیری «فرهنگ ویدئویی پلتفرم-مبنا» اشاره می‌کند که شامل خانگی-سازی مصرف ویدئویی است. همچنین به نقش رسانه‌های مجازی به عنوان ابزاری مؤثر در رعایت فاصله‌گذاری فیزیکی و تغییر در سبک مراسم مربوط به عزاداری در سطح جامعه، اشاره شده است.

همچنین نحوه پوشش دهی خبرها در دوران کرونا بررسی شده است. نویسندگان این مبحث بر این باورند که رسانه‌ها به خبرهای مهم و حساس جامعه که زندگی قشر وسیعی از مردم را در برمی‌گیرد (مانند تعیین دستمزد کارگران یا نحوه دسترسی دانش‌آموزان به آموزش)، اهمیت نداده و به این گونه مسایل نمی‌پردازند یا آنها را کم اهمیت جلوه می‌دهند. به نظر آنان این رسانه‌ها پوشش دادن خبرهایی بی‌ارزش و کم اهمیت را در اولویت قرار داده‌اند و همین مسئله باعث شده است مقوله‌ای به نام خبرزده شدن جامعه شکل بگیرد.

بخش سوم دربردارنده مقالاتی مانند کرونا، فضای مجازی و حکمرانی جدید (عبدالحسین کلانتری)، آسیب‌شناسی نظام حکمرانی در مواجهه با کرونا (سجاد فتاحی)، کرونا و دولت اجتماعی (اسماعیل غلامی‌پور)، سیاست و زندگی با ویروس کرونا (علی اصغر سعیدی)، سمت و سوی سیاست‌گذاری اجتماعی در دوران پسا کرونا (یاسر باقری)، سیاست‌گذاری اجتماعی در دوره کرونا (حبیب‌الله مسعودی فرید)، کرونا و ضرورت گفتمان سیاست اجتماعی (سارا شاه علی)، ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران؛ بحثی پیرامون ویروس کووید ۱۹ در ایران (حمیده دباغی) می‌باشد.

از جمله، موضوعات مهم این بخش بحث در مورد نوع نظام حکمرانی در زمان بحران است. به زعم نویسندگان این بخش، نوع نظام حکمرانی در هر کشور ارتباط مستقیمی با چگونگی ارائه راهکار برای حل بحران دارد. نویسندگان نوع رفتار مردم در مواقع بحرانی را مطابق نوع سیستم سیاسی، اجتماعی آن جامعه می‌دانند. زیرا افراد در خلأ رفتار نمی‌کنند و تابع سیستم‌ها و نهادهایی هستند که جامعه را اداره می‌کنند. بنابراین در جامعه‌ای که سیستم حکمرانی و رهبران آن بی‌مسئولیت باشند، نمی‌توان انتظار رفتار مسئولانه داشت. بنابراین می‌توان گفت آنچه در موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در بحران کرونا نقش بسزایی

داشته نوع حکومت‌های حاکم بر هر کشور و نحوه مدیریت نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... بوده است.

از نگاه این کتاب، تنها نظام حکمرانی که می‌تواند عملکرد قابل قبولی را در کنترل بحران داشته باشد؛ سیستمی به نام دولت اجتماعی است. این سیستم دارای ساختارهای دموکراتیک، جامعه مدنی قوی، رسانه‌های آزاد و صندوق‌های رأی آزاد است که در جهت تأمین امنیت، آزادی، عدالت و رفاه عمومی تلاش می‌کنند؛ بنابراین با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، دولت اجتماعی در مواقع بحرانی مانند ایام کرونایی جهت بهبود اوضاع، می‌تواند بهترین عملکرد را داشته باشند؛ چرا که در این سیستم نوع نظام سلامت کشورها مبتنی بر رفاه عمومی است.

از نظر نویسندگان، در بحث مدیریت کلان؛ در جامعه ایران همیشه امر سیاسی بر امر اجتماعی ارجحیت داشته است و این خود نابرابری را باز تولید می‌کند. برخی از نویسندگان، علت عملکرد ضعیف نظام حکمرانی ایران در مواجهه با ویروس کرونا را مورد زیر می‌دانند: عدم شفافیت و وجود تناقض در سیستم مرجع حکمرانی، عدم شناخت دقیق وضعیت جامعه (ناآگاهی از ورود ویروس به کشور - نبود آگاهی از میزان شیوع بیماری در مناطق مختلف) - ناکارآمدی بخش تبیین خطای نظام حکمرانی - سیاست‌گذاری تک‌رشته‌ای (پزشک محور) برای مواجهه با پدیده چند بعدی و پیچیده کرونا - کندی و تأخیر نظام حکمرانی در تصمیم‌گیری برای مواجهه با کرونا - سیاست‌گذاری غیرمشارکتی - سیاست‌گذاری متمرکز و بی‌توجه به تنوع - نظام حکمرانی تلنبار کننده مسائل - ناکارآمدی در حفظ و ایجاد اعتماد - عدم تناسب بین توانمندی کنشگران کلیدی و بزرگی مسائل - عدم انسجام و هماهنگی بین بخش‌های گوناگون نظام حکمرانی؛ لذا برای بهبود عملکرد باید نواقص ذکر شده، رفع شوند تا بتوان در مقابله با بحران‌های مختلف، موفق عمل کرد. نتیجه چنین سبک حکمرانی این است که همبستگی اجتماعی و مسئولیت اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های کلان جایگاهی ندارند. لذا آنچه می‌تواند موجب همراهی مردم جامعه در کنترل بحران و کمک همگانی در اجرای سیاست‌های نظام حکمرانی شود، ایجاد اعتماد اجتماعی است. بنابراین، ارتقای حس اعتماد اجتماعی در سطح جامعه نیازمند رعایت عدالت محوری در اجرای سیاست‌های کلان و مهیا کردن راه‌های دسترسی همگانی به امکانات رفاهی و بهداشتی است. لذا حمایت‌های دولتی از اقشار فرودست جامعه و اجرای سیاست‌های عدالت‌محورانه، و شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بین عموم مردم و در نهایت بالا رفتن سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی، منجر به همراهی مردم با مسئولان در کنترل بیماری امری ضروری است.

بخش چهارم تحت عنوان دین‌داری و ارزش‌های اجتماعی شامل ۴ مقاله یعنی، بحران کرونا و آینده دین‌داری (مهدی رفیعی بهابادی) / کرونا و برخی باورهای دینی سنتی (حسن

محدثی گیلوایی/ فرهنگی دینی در دوره کرونا از نگاه افکار عمومی (محمد آقاسی)/ بحران کرونا و تغییرات در رفتار باروری (داوود مرادی) می‌باشد.

نویسندگان این بخش به مباحث مربوط به باورها و ارزش‌های دینی می‌پردازند. آنان معتقدند که هسته اصلی دینداری یعنی، اعتقاد به خدا در بلند مدت دچار تغییر نمی‌شود. در آینده ممکن است، دین‌داری عقلانی‌تر و ابعاد خرافه‌گرایانه آن کم اهمیت‌تر شود؛ اما کرونا موجب افول دینداری نخواهد شد. محدثی بر این باور است که مواجهه با وضعیت‌های فاجعه‌آمیز بر باورهای مردم تأثیر می‌گذارد و باور به شفابخشی مکان‌های مقدس را دچار چالش کرده است.

بخش پنجم به نظام آموزش در دوره کرونا مربوط است و در آن مقالاتی مانند علم و آموزش نولیبرال در جهان پسا کرونا (رضا ماحوزی)، آموزش و پرورش در بحران (حسین اسکندری، اعظم جلالی جوران)، آموزش مجازی در دوره کرونا (امیر نامی)، کرونا و ضرورت ارتقای مسئولیت فردی و اجتماعی (زهره سعیدی) طرح شده است.

یک از موضوعات این بخش، مشکلات آموزش مجازی در بین دانش‌آموزان است. از نظر نویسنده، مهیا نبودن امکانات لازم مانند دسترسی به اینترنت برای همه و نداشتن تلفن هوشمند در بین همه دانش‌آموزان و عدم توانایی خانواده‌ها در تهیه وسایل مورد نیاز دانش‌آموزان، جهت شرکت در کلاس‌های مجازی، یک فضای نامطلوب و نابرابر را بر حوزه آموزش کشور حاکم کرده است. یکی دیگر از موضوعات این بخش اشاره به ضرورت تجدید در باورهای دینی و برپا کردن آنها بر اساس تعقل و کنش‌های عقلانی است. نویسنده معتقد است که برای داشتن رفتارهای معقولانه و باورهای عقلانی در جامعه، نظام آموزش و پرورش باید قادر باشد این امر مهم را با تعلیم و تربیت در دانش‌آموزان درونی کند.

بخش ششم با مقالاتی مانند کرونا و جراحی روانی؛ تحلیلی روانشناختی از عارضه کرونا در ایران (محمد رضا جلالی)، کره زمین در حصر خانگی؛ ضد روایتی که به کلان روایت تبدیل می‌شود (حسین اسکندری- وحید مصطفی پور)، دوران کرونا محمل بازاندیشی در خویشتن (فاطمه علمدار)، مدیریت بحران از منظر روانشناسی اجتماعی (مجید صفاری‌نیا) به سوبه‌های روانشناختی کرونا اختصاص دارد. زیرا کرونا در کنار بیماری جسمی حامل اختلالات روانی هم بوده است. در این میان می‌توان به ترس از بیماری، احساس محرومیت و ملال (به دلیل تنهایی و جدایی از دیگران)، وسواس‌های فکری و عملی درباره بیماری و دغدغه تحصیلی و شغلی اشاره کرد. سطوح اجتماعی جراحی‌های روانی نیز نشأت گرفته از تقابل میان سطوح انتظاری مردم از مسئولان در کنترل و مدیریت بیماری و ناکارآمدی آنان در برآورده ساختن این انتظارات هنجاری، باعث شده است که اعتماد و امید مردم نسبت به مسئولان دچار خدشه

شود و این موضوع خود ایجاد کننده بی‌اعتمادی و نارضایتی جمعی نسبت به مسئولان کشور است.

نقد و بررسی کتاب

- عنوان کتاب از شمول کافی برخوردار نیست؛ یعنی، پیامدهای کرونا به شیوه‌ای کلی در سطح جهانی بحث شده‌است و ربطی به جامعه ایران ندارد، لذا به نظر می‌رسد، یا باید عنوان کتاب تغییر می‌کرد یا محتویات مقالات به جامعه ایران ربط پیدا می‌کرد.
- کتاب کرونا و جامعه ایران، مجموعه‌ای از مقالات است که بخش اعظم آن به شیوه نظری تدوین شده‌است. بر این اساس، هر کدام از نویسندگان در حیطه مورد علاقه خود، اقدام به نظر ورزی کرده‌اند؛ بدون استفاده از داده تجربی که لازمه یک کار موفق است. مهم‌ترین کاری که نویسندگان انجام داده‌اند، بیان دیدگاه‌های خود در مورد موضوع مورد بحث بوده است. چنین تحلیل‌هایی، نمی‌تواند پوشش دهنده خوبی برای موضوع مورد بررسی باشد. در خیلی از مقالات سؤالات کلیدی، مطرح شده است که برای پاسخگویی به آنها؛ استفاده از داده‌های تجربی و میدانی ضرورت داشته است که این امر مورد غفلت قرار گرفته است.
- اشاره به دوران پس از کرونا، یکی از مباحثی است که در بیشتر مقالات به آن اشاره شده است و نویسندگان به پیش‌بینی روند تحولات جامعه، پس از کرونا پرداخته‌اند. چنین اقدامی آن هم در زمانی کمتر از چهار ماه از شیوع بیماری در ایران و همچنین با توجه به ناشناخته بودن و مبهم بودن بیماری از توجیه علمی برخوردار نبوده است. به نظر می‌رسد، از این حیث نویسندگان عجولانه عمل کرده‌اند.
- در برخی مقالات، به‌ویژه در بخش ارزش‌ها و باورهای دینی، تناقض‌هایی دید می‌شود. به این ترتیب که دو نویسنده با رجوع به نظرسنجی‌های مختلف نتیجه می‌گیرند؛ کرونا تأثیری بر کم‌رنگ شدن باورهای دینی نداشته است (رفیعی و آقاسی). اما محدثی به تغییر برخی باورها مانند شفاف‌بخش بودن اماکن متبرکه و باورهای دیگری از این دست که تا قبل از کرونا، آزمون‌گریز بوده‌اند، اشاره می‌کند و معتقد است که در آینده، چنین عقایدی تضعیف می‌شود.
- عدم تناسب برخی از مقالات با بخشی که در آن قرار گرفته‌اند؛ به عنوان مثال، مقاله بحران کرونا و تغییر در رفتار باروری، مقاله‌ای است که بیشترین تأکید را بر

ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارد که جامعه ایرانی را به سمت، کاهش رفتار باروری سوق داده است. به نظر می‌رسد، مهمترین مسئله مقاله، ساختارهای معیوب اقتصادی و اجتماعی باشد نه تغییر ارزش‌های فردی در فرزندآوری؛ بدین معنا که وضعیت سخت اقتصادی و اجتماعی برای زوج‌های ایرانی شرایطی را پدید آورده است که نمی‌توانند به داشتن فرزند بیشتر فکر کنند. بنابراین، بهتر بود این مقاله در قسمتی طرح می‌شد که مربوط به بخش اجتماعی است نه بخش مربوط به دینداری و ارزش‌ها.

• تکراری بودن برخی مقالات: بهتر بود کتاب موضوعات گوناگون را پوشش می‌داد و از تکرار برخی مباحث پرهیز می‌شد. به عنوان مثال در حوزه کتاب و نشر، دو مقاله، ارائه شده است که هم‌پوشی زیادی با همدیگر دارند.

• نقش بیش از حد برجسته فضای مجازی: به واقع فضای مجازی چندین سال است که وارد زندگی ایرانیان شده است. جامعه ما قبل کرونا نیز بخشی از روابط اجتماعی خود را از طریق ابزارهای روز دنیا دنبال می‌کرد. درست است که در خلال بحران کرونا، استفاده‌های کاربردی‌تری از این ابزارها مانند آموزش مجازی، جلسات مهم اداری مجازی و صورت گرفته است؛ اما نکته‌ای که در این کتاب بیش از حد برجسته شده، این است که نویسندگان فضای مجازی را معجزه قرن تلقی کرده‌اند و تنها به وجوه مثبت و کاربردی آن توجه کرده‌اند. اهمیت موضوع یعنی، نقش مهم فضای مجازی در زندگی انسان‌های قرن ۲۱ برای همگان مبرهن است؛ اما نکته اساسی این است که نویسندگان لازم بود در کنار نقاط مثبت فضای مجازی (که خیلی آنها را برجسته کرده بودند) به نقاط منفی آن (افزایش وابستگی مردم به فضاهای مجازی تا فضای واقعی زندگی، گسترش اخبار جعلی و....) توجه می‌کردند و همچنین توجه به این امر مهم که آیا جامعه ما ظرفیت چنین تغییری را در سبک زندگی خود دارد؟

• بی‌توجهی به تأثیر نابرابری اجتماعی: نویسندگان کتاب کرونا و جامعه ایران در بحث رسانه‌ها فراموش کرده‌اند که طیف گسترده‌ای از جامعه ایران از امکانات ارتباطی روز دنیا بی‌بهره هستند. شاید، جداافتادگی و فاصله‌نخبگان از وضعیت واقعی اقشار مختلف جامعه، دلیل نادیده گرفتن شرایط زندگی اقشار پایین جامعه و عدم دسترسی به امکانات ارتباطی باشد. به نظر می‌رسد، یکی از شواهدی که می‌تواند بیانگر عدم درک واقعیت‌های زندگی اقشار پایین جامعه در این کتاب باشد؛ عدم اختصاص بخشی از مطالب به مسایل اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و ... مردم عادی

است. مسئله آموزش دانش‌آموزان مناطق محروم و خطر ترک تحصیل آنها به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است.

• نپرداختن به مسائل مهم اجتماعی: موضوعاتی مانند پیامدهای اقتصادی کرونا (فقر و بیکاری) برای مردم و طبقات پایین، آثار کرونا بر آموزش‌عالی، تغییر سبک زندگی مردم و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی، تنبلی اجتماعی، خشونت خانوادگی، طلاق چندان مورد عنایت نبوده است.

• در بخش آموزش خانم سعیدی بحث نیاز به تجدیدنظر در برنامه‌های تربیتی در نظام آموزشی را مطرح می‌کند؛ زیرا نظام آموزشی ما افراد مقلدی را تحویل جامعه می‌دهد. وی برای اثبات ادعای خود به رفتارهای تند و احساسی افرادی اشاره می‌کند که در بحث تعطیلی اماکن مقدس از خود نشان دادند. همه به ناکارآمدی نظام آموزشی حاکم بر کشور واقف هستیم، بنابراین، بحث پر اهمیتی است که نیاز مبرم به طرح مباحث محوری حول آن احساس می‌شود. به نظر می‌رسد، مقوله تندرستی‌های افراد مذهبی در ایام کرونا نمی‌تواند اثبات‌کننده موضوع یعنی، مقلدبار آوردن افراد جامعه باشد. زیرا این رفتار از سوی تعداد اندکی از کنشگران بروز پیدا می‌کند. جامعه ما بیش از ۸۰ میلیون جمعیت دارد. رفتار گروه کوچکی نمی‌تواند قابلیت تعمیم به کل جامعه داشته باشد. دیگر آن که خیلی از افراد معتقد به باورهای دینی در خانه‌های خود ماندند و مراسمات مذهبی را در اجتماع تعطیل کردند. نمونه آن برگزار نشدن شب‌های احیا در ماه رمضان، تعطیلی نمازهای جماعت در مساجد می‌باشد. در همان ایامی که همه مردم ملزم به خانه‌نشینی و درخانه ماندن و نرفتن به سفر شدند، تعداد خیلی زیادی از این کار سر باز زدند و به نقاط مختلف کشور مخصوصاً استان‌های شمالی سفر کردند و بیماری را در این استان‌ها به میزان خیلی زیادی گسترش دادند. بنابراین، نمی‌توان گفت که مقلد و گوش به حرف‌های آقا بالا سر بودن در اینجا معنایی داشته باشد؛ چرا که افراد بنا به میل و خواسته خود دست به چنین حرکتی زدند، در اینجا شاید شاهد یک نوع رفتار مقاومتی هستیم. در مواقع بحرانی مانند کرونا، کلید واژه‌ای که همه نخبگان و اصحاب اندیشه و قلم، روی آن تأکید می‌کنند و در این کتاب هم به آن اشاره شده بود، اعتماد است. اعتماد مردم به سیاستگذاران جامعه به این معنا که اگر برنامه‌ریزی‌های معقول و درست سیاستگذاران در مواقع بحرانی با مقوله مهمی به نام اعتماد مردم همراه شود، خیلی سریع می‌توان در جهت کنترل و حل بحران اقدام کرد. اگر واکنش‌های افراد براساس تقلید و اطاعت از حرف‌های دیگران مهم باشد، لذا می‌باید در قضیه کرونا، با اعتماد

معرفی و نقد کتاب: کرونا و جامعه ایران، سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی

مردم به سیاستمداران براساس قبول کردن اطلاعات و داده‌های آنها بعد از شش ماه
از آمدن کرونا به جامعه ما، با کاهش آن مواجه می‌شدیم!!!

سایر مقاله ها

